پیام تبریک، تقدیر و تشکر سرتیپ پاسدار حسن شاهوارپور فرمانده سپاه حضرت ولی‌عصر(عج) خوزستان



به مناسبت حضور حماسی مردم در رزمایش ۱۰۰ هزار نفری «جانفدایان خوزستان»

مردم شریف، بصیر، ولایتمدار و غیرتمند خوزستان؛حضور حماسی، مقتدرانه و کم‌نظیر شما در رزمایش ۱۰۰ هزار نفری «جانفدایان خوزستان» در دوم مهرماه، برگ زرین دیگری بر دفتر افتخارات این خطه شهیدپرور و نماد روشنی از ایمان، بصیرت، وحدت، انسجام و آمادگی همه‌جانبه ملت ایران بود.در چهل‌وششمین سالگرد هفته دفاع مقدس، این حضور باشکوه در کنار گرامیداشت یاد و نام شهدا، امام شهدا و رهبر مجاهد شهید، نشان داد که فرهنگ ایثار، مقاومت و جانفشانی همچنان در جان و دل مردم خوزستان زنده و پابرجاست.این اجتماع عظیم مردمی، پیام روشن و صریح خوزستان به جبهه دشمن بود؛ ملت ایران در برابر تهدید، توطئه و زیاده‌خواهی دشمن لحظه‌ای عقب‌نشینی نخواهد کرد و با لبیک به فرامین فرمانده معظم کل قوا، مقتدرانه پای ایران اسلامی ایستاده است.دشمن آمریکایی ـ صهیونیستی بداند که مردم خوزستان، همان مردمی هستند که در روزهای سخت دفاع مقدس در خط مقدم ایستادند و امروز نیز با همان روحیه انقلابی و جهادی، آماده دفاع از استقلال، امنیت، عزت و تمامیت ارضی ایران اسلامی هستند و هرگونه دست‌درازی به این سرزمین را با پاسخ قاطع ملت و نیروهای مسلح مواجه خواهند کرد.اینجانب ضمن تبریک این حماسه بزرگ، صمیمانه از نماینده محترم ولی‌فقیه در استان خوزستان، استاندار محترم خوزستان، فرماندهان و کارکنان ارتش، فراجا و مرزبانی، نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، مسئولان محترم قضایی، اعضای شورای تأمین، اداره‌کل اطلاعات استان، فرمانداری‌ها، دستگاه‌های اجرایی، شهرداری‌ها و مجموعه‌های خدماتی و پشتیبانی، پیشکسوتان و فرماندهان دوران دفاع مقدس، صداوسیمای مرکز خوزستان، اصحاب رسانه، گروه‌های مردمی و جهادی و تمامی دست‌اندرکاران این رزمایش تقدیر و تشکر می‌کنم.همچنین از خانواده‌های معظم شهدا، خانواده‌های جان‌فدا، بسیجیان جان‌برکف و جان‌فدا و آحاد مردم شریف اهواز و شهرستان‌های استان که با وجود گرمای طاقت‌فرسا و شرجی خوزستان، با حضور پرشور و مسئولانه خود به این اجتماع عظیم شکوه و عظمت بخشیدند، صمیمانه قدردانی می‌کنم.رزمایش «جانفدایان خوزستان» بار دیگر ثابت کرد که قدرت واقعی جمهوری اسلامی ایران، در ایمان و اراده مردم و پیوند ناگسستنی ملت با نیروهای مسلح و جبهه مقاومت نهفته است.این حضور مقتدرانه، تجدید عهدی دوباره با آرمان‌های شهیدان و اعلام آمادگی برای دفاع از ایران اسلامی بود؛ حماسه‌ای که نشان داد خوزستان همچنان سنگر بصیرت، مقاومت، ولایت‌مداری و جانفشانی برای انقلاب اسلامی است.با افتخار بر دستان یکایک مردم شریف و قهرمان خوزستان بوسه می‌زنم و از خداوند متعال، عزت، سربلندی، امنیت و توفیق روزافزون ملت بزرگ ایران و مردم غیور خوزستان را مسئلت دارم.

عبدالحمید گل‌افشان - کارشناس اجتماعی جهان اخبار؛

کارون از میان شوشتر می‌گذرد، اما آب در خانه‌ها نیست



شوشتر، شهری که کارون از میانش می‌گذرد و سازه‌های آبی تاریخی‌اش نامش را بر زبان‌ها جاری کرده، این روزها با اطلاعیه‌ای روبرو شده که نه محله‌ای را نام برده، نه ساعتی را مشخص کرده و نه گفته این وضعیت تا چه زمانی ادامه دارد. روابط عمومی آبفا شوشتر در متنی کوتاه و مبهم از «نوسان شبکه برق خارج از تاسیسات» و «خاموش شدن الکتروپمپ‌ها» گفته و در پایان از مردم خواسته صرفه‌جویی کنند. اما کدام منطقه؟ از چه ساعتی؟ تا کی؟ هیچ. ابهام در اطلاعیه‌ای که باید روشن‌گر باشد، خودش به اندازه بی‌آبی آزاردهنده است.اطلاعیه‌ای که فقط می‌گوید «ممکن است شاهد افت فشار و یا قطع آب در برخی محله‌ها و مناطق باشیم»، در واقع هیچ نمی‌گوید. نه از محله‌ای نام برده که مردم بدانند آیا خانه‌شان در محدوده قطعی است یا نه، نه زمانی داده که بشود برای پخت‌وپز و شست‌وشو برنامه‌ریزی کرد. این اطلاعیه، پرسش‌ها را بیشتر کرده تا پاسخ‌ها را.خانمی که در صف نانوایی ایستاده می‌گوید: «دیشب آب قطع شد. صبح که بیدار شدیم، هنوز خبری نبود. بچه‌ها باید بروند مدرسه. با چه آبی سر و صورتشان را بشویند؟»مردی که مغازه‌اش در مرکز شهر است، می‌گوید: «شغل و کار من با آب شرب راه می‌افتد. وقتی آب نیست، یعنی مغازه تعطیل. توجیهی که به من می‌دهند فقط یک جمله است: صرفه‌جویی کنید. من کدام ساعت را صرفه‌جویی کنم وقتی آب نیست؟»مادر جوانی که کودک خردسال دارد، می‌گوید: «شست‌وشوی لباس بچه شده معضل. نمی‌دانم از کجا باید آب ذخیره کنم که کافی باشد.»و مردی که در حیاط خانه‌اش چند گلدان و درختچه دارد، می‌گوید: «آب که می‌آید، فشارش آن‌قدر کم است که به طبقه بالا نمی‌رسد. باید چه کار کنیم؟»مشکل اما تنها به اطلاعیه مبهم خلاصه نمی‌شود. شوشتر با شبکه آبرسانی فرسوده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند که هر بار بخشی از آن در محله‌ای می‌شکند و آب قطع می‌شود. در اطلاعیه‌های گذشته نیز آمده که فرسودگی شبکه آب‌رسانی دلیل اصلی قطعی‌های مکرر است. حالا در کنار آن، خاموشی برق الکتروپمپ‌ها هم مزید بر علت شده. به گزارش رسانه‌های محلی، در سال‌های اخیر توجه لازم به تجهیز و به‌روزرسانی زیرساخت‌های آب و برق شوشتر صورت نگرفته و حالا همین فرسودگی، دودش به چشم مردم می‌رود.وضعیت آب شوشتر نیازمند یک نگاه ملی است، نه اطلاعیه‌های محلی. زیرساخت‌های این شهرستان در همه حوزه‌ها، از آب و برق تا جاده، ضعیف و فرسوده است. رفع این وضعیت بدون بودجه ملی، بدون پیگیری جدی فرماندار و نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی، و بدون حضور وزیر نیرو در شوشتر و دیدن مسائل از زبان مردم مناطق مختلف، ممکن نیست.در سال گذشته، دو تا سه مدیر آبفا در شوشتر منصوب و برکنار شده‌اند. این جابجایی‌های پیاپی، خود نشانه‌ای است از اینکه مشکل، فراتر از یک مدیر یا یک دوره است. از جناب آقای افشین حاتمی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب خوزستان، به جدیت استمداد و استدعا داریم که به این وضعیت خاتمه دهند و در انتخاب مدیر آبفا شوشتر، فکری اساسی کنند. اگر توانمندی لازم در شوشتر وجود ندارد، می‌توان از نیروهای توانمند آبفا استان خوزستان برای تقویت این مجموعه بهره گرفت. این پیشنهاد، راهکاری است برای برون‌رفت از وضعیتی که مردم را خسته وکلافه کرده است.به باور نویسنده، مشکل آب شوشتر با اطلاعیه‌های مبهم و توصیه به صرفه‌جویی برطرف نمی‌شود. راهکار در سه گام عملی است: نخست، انتشار نقشه زمانی و مکانی دقیق قطعی‌ها به صورت هفتگی تا مردم بدانند چه ساعتی و کدام محله در چه وضعیتی است. دوم، فعال‌سازی دیزل‌ژنراتورهای ایستگاه‌های پمپاژ به عنوان جایگزین اضطراری در زمان قطع برق. سوم، گرفتن بودجه ملی از وزارت نیرو برای اصلاح شبکه فرسوده آب شوشتر، با پیگیری جدی فرماندار و نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی.آیا پایانی برای این قطعی‌ها و افت فشار آب در شوشتر متصور است. شوشتر، شهری که کارون از میانش می‌گذرد و سازه‌های آبی تاریخی‌اش نامش را بر زبان‌ها جاری کرده، این روزها با اطلاعیه‌ای روبرو شده که نه محله‌ای را نام برده، نه ساعتی را مشخص کرده و نه گفته این وضعیت تا چه زمانی ادامه دارد. روابط عمومی آبفا شوشتر در متنی کوتاه و مبهم از «نوسان شبکه برق خارج از تاسیسات» و «خاموش شدن الکتروپمپ‌ها» گفته و در پایان از مردم خواسته صرفه‌جویی کنند. اما کدام منطقه؟ از چه ساعتی؟ تا کی؟ هیچ. ابهام در اطلاعیه‌ای که باید روشن‌گر باشد، خودش به اندازه بی‌آبی آزاردهنده است. اطلاعیه‌ای که فقط می‌گوید «ممکن است شاهد افت فشار و یا قطع آب در برخی محله‌ها و مناطق باشیم»، در واقع هیچ نمی‌گوید. نه از محله‌ای نام برده که مردم بدانند آیا خانه‌شان در محدوده قطعی است یا نه، نه زمانی داده که بشود برای پخت‌وپز و شست‌وشو برنامه‌ریزی کرد. این اطلاعیه، پرسش‌ها را بیشتر کرده تا پاسخ‌ها را.خانمی که در صف نانوایی ایستاده می‌گوید: «دیشب آب قطع شد. صبح که بیدار شدیم، هنوز خبری نبود.

به قلم: سیدقنبر یوسفیانی

از قفس بند بعث تا آسمان غزه؛ روایت غیرت ایرانی در دو میدان نبرد



مقدمه؛ از قفس بیراهه تاریخ تا میدانِ امروز

بخشی از روایتِ مردم ایران، نه در قابِ نوروزها و عیدها، نه در خلوتِ جشن‌ها، بلکه در تاریکیِ سلول‌های تنگ و بوی باروت و خونِ جبهه‌ها نوشته شده است.جنگ تحمیلیِ هشت ساله، تاریخِ این خاک را با سرنوشتِ هزاران آزاده گره زد؛ مردانی که سربازِ وطن بودند و به جایِ آسایش، عطشِ شهادت را برگزیدند، اما تقدیر، قصه آنان را با فصلی دیگر رقم زد: اسارت.اسارت نه پایانِ ماجرا بود، نه قهرِ تاریخ؛ بلکه آغازِ امتحانی سخت‌تر از معرکه جنگ بود. آنجا که جسمِ بی‌رمق و روح، تنها ستونِ ایستادگی بود.امروز اما، همان قبیله آهنین، در هیبتِ خلبانانِ تیزپرواز و جنگجویانِ گردان‌های مقاومت و نیروهای نظامی ما، تکرارِ همان حماسه‌اند؛ با این تفاوت که این بار آسمانِ غزه، لبنان، سوریه و حتی قلبِ پایگاه‌های متجاوزِ قطری، میدانِ نبردِ آنان شد.شرحِ شخصیتِ اسرا؛ انسان‌های خاکستریِ صبوربه افتخار سال‌روز آزادی آزادگان سرافراز جنگ هشت ساله تحمیلی باید قلم بر دست گرفت و نوشت، و این حقیقت ناب را فریاد زد که آزادگانِ ما، نه قهرمانانِ سینماییِ بی‌خطا بودند و نه ابرمردهای اساطیری؛ آن‌ها انسان‌های عادی‌ای بودند که در روزهایِ غیرعادی، والاترین تصمیمِ غیرعادیِ زندگیِ خود را گرفتند.جوانانی از جنسِ همینِ کوچه‌ها؛ معلم، کشاورز، دانشجو، کارگر. آنان با همان دستی که بیل و قلم می‌گرفت، اسلحه بر دوش گرفتند و با همان چشمی که روشناییِ خانه را دیده بود، سیاهیِ سلول را تجربه کردند. آن‌ها نمادِ آن باورِ سترگ‌اند که «اگر بمیریم، می‌مانیم»؛ و اگر زنده بمانیم، سربلندتر از همه زندگان. شخصیتِ آنان با عصمت و حیا، با صبر و شجاعت، و با عشقی آمیخته بود که نه با شکنجه و نه با مرورِ زمان، از بین نرفت. سختی‌ها، عذاب‌ها و شکنجه‌های جسمی و روحی در چنگال رژیم بعثدر اردوگاه‌های رژیم بعثیِ عراق، سخت‌ترین فصلِ این تاریخ رقم خورد. شکنجه‌های جسمی؛ از کابل و شلاق و سیم‌های خاردار بر پیکرِ عریان، تا حبس در سلول‌های انفرادیِ کوچک‌تر از قامتِ انسان، و محرومیتِ طولانی از آب و غذا و خواب.اما سخت‌تر از زخمِ تن، زخمِ روح بود. زخمِ روح، وقتی بود که می‌دانستند نامشان از فهرستِ زندگانِ این خاک حذف شده؛ وقتی خبرِ شهادتِ خودشان را در میانِ زمزمه‌های اسرا می‌شنیدند.

با کدام منطق، با قاتلان ملت ایران پشت میز مذاکره می‌نشینید؟

در کدام قانون، کدام منطق و کدام عرف سیاسی نوشته شده است که رهبر یک ملت به شهادت برسد، خون او هنوز بر زمین باشد و بدون آنکه خونخواهی و پاسخ شایسته‌ای صورت گرفته باشد، با نماینده عاملان این جنایت پشت میز مذاکره می نشینید؟ویکتاف نماینده حکومتی است که نه‌تنها رهبر یک ملت را به شهادت رسانده، بلکه در سال‌های اخیر بارها ملت ایران را هدف تهدید، تحریم، ترور و حملات نظامی قرار داده است و هزاران زن و پیر و جوان این ملت را به شهادت رسانده.حکومتی که در جریان این تجاوزات، کودکان بی‌گناه مدرسه شجره طیبه میناب را به شهادت رسانده، فرماندهان عالی‌رتبه نظامی کشورمان را ترور کرده و مردم بی‌دفاع ایران را قربانی حملات خود کرده است. همین حکومت، سنگین‌ترین فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها را بر ملت ایران تحمیل کرده و همزمان با تهدید و ادبیات زورگویانه، از ایران می‌خواهد تسلیم شود و زانو بزند.اما پاسخ ملت ایران روشن است:ملت ایران زانو نمی‌زند.ما معتقدیم در چنین شرایطی، عزت، امنیت و منافع ملی ایران باید خط قرمز هرگونه تعامل و مذاکره باشد.اگر انتقال پیامی ضرورت داشت، می‌شد آن پیام از طریق میانجی و کانال‌های غیرمستقیم منتقل شود؛ نه اینکه در چنین شرایطی، دیدار مستقیم با نماینده طرف مقابل صورت گیرد و این تصور ایجاد شود که جنایت‌های انجام‌شده علیه ملت ایران به فراموشی سپرده شده است.هنوز خون شهیدان خشک نشده است.هنوز مادرانی هستند که فرزندانشان را در این جنایت‌ها از دست داده‌اند. هنوز خانواده‌هایی داغدارند. هنوز ملت ایران شهادت رهبر خود، فرماندهان نظامی و مردم بی‌گناهش را فراموش نکرده است. پس باید پرسید:چرا باید با نماینده حکومتی که دستش به خون فرزندان این ملت آلوده است، در چنین شرایطی پشت یک میز نشست؟چه کسانی سیاست حرکت وزارت خارجه را ترسیم می کنند آیا ملاقات اقای عراقچی با ویکتاف با ترسیم و سیاست گذاری شعام بوده یا اینکه نظر شخصی و در حوزه دولت چهاردهم بوده مگر می شود با نماینده کشوری مذاکره کرد که رئیس جمهور آن در همان مکان از تریبون سازمان ملل شدیدترین تهدیدها و زورگویی را بر علیه ملت ایران به زبان اوردن باشد و ملت ایران می خواهد که یا به میز مذاکره بیاید یا نابود شودآیا چنین سخنانی جواب ندارد؟ایا فرزند خوزستان جناب سرلشکر حاج محسن رضایی که خود فرمانده زمان جنگ بود به خاطر ندارند که در خوزستان چگونه فرزندان ایران زیر زنجیر تانکها رفتن و تکه تکه شدن اما خاک به دشمن ندادن مگر ان زمان ایران قدرت امروز داشت البته که خیر



قدرت امروز نداشت ان زمان غرب زده ترسو و سازشکار جرعت سخن گفتن نداشتن که کشور تسلیم امریکا نمایند امروزمذاکره اگر برای تأمین منافع ملت، حفظ امنیت کشور و دفاع از حقوق ایران باشد، یک ابزار دیپلماتیک است؛ اما مذاکره‌ای که شائبه عقب‌نشینی، فراموشی جنایت‌ها یا نادیده گرفتن خون شهدا را ایجاد کند، نیازمند بازنگری جدی است. امنیتی که با تهدید و تحمیل دشمن تعریف شود، امنیت نیست.و پیام ما روشن است:خون شهدا فراموش‌شدنی نیست.امنیت ملت ایران قابل معامله نیست.عزت ایران پشت هیچ میز مذاکره‌ای واگذار نخواهد شد.ملت ایران در برابر زورگویی و تهدید، هرگز زانو نخواهد زد.

هوشنگ صالح راد- دبیر جمعیت رزمنده مدافع انقلاب اسلامی استان خوزستان